

نسبت ما به فرهنگ مثل انسان درون آب است. اسلام دین انسان سازی است و همه دستورات آن برای رشد و اعتلای انسان معین شده است. برای تحقق این هدف و برای ساختن جامعه سالم و پویا؛ دین اسلام برنامه دارد و پرورش انسان مطلوب را در یک جامعه اسلامی و الهی جستجو می کند و هر چه برای رسیدن به این هدف مانع به وجود آورد قابل قبول نیست. هر پدیده که با اخلاقیات و مذهب ناسازگار باشد پذیرفتنی نخواهد بود. عناصر فرهنگ اسلامی که در منابع معتبر ما هدف، خصال، علم و اخلاق نامیده می شوند؛ همگی درون یک مفهوم عالی به نام حکمت جای دارند. این حکمت شامل هر نوع نمود و فعلیتی است که می تواند نیرو بخش یک حیات هدف دار برای فرد و جامعه باشد. اولین حمایت کننده این

مکیده  
مقاله

## استفاده از مدل مکانیکی در مهندسی پدیده های فرهنگی

دکتر امیر ملکی و لیلا روستایی

طی شود: ۱- تعیین مفروضات اساسی و زیربنایی یعنی مفروضات اساسی مربوط به ماهیت روابط انسانی، ماهیت جامعه، شرایط زمان و مکان مربوط به مسیر تکاملی فرد و جامعه، ضرورتها و نیازهای اجتماعی، موانع و آسیبهای رشد فرهنگی. ۲- تعیین و طراحی نظام ارزشها در سطوح مختلف، آنچه را در سال اول دانشگاه می توان آموزش داد با مجموعه ارزشهایی که در سال آخر قابل آموزش دادن است یکی نیست. در هر یک از سطوح آموزشی باید اهداف، محتوا و ارزشهای یادگیری را مشخص و اجرا نمود. در این مرحله به سئوالات زیر باید پاسخ داده شود. الف: اهداف ارزشی و نگرشی در هر یک از سطوح آموزشی کدامند. مثلاً در آموزش و پرورش دبستان، راهنمایی و دبیرستان، ۳- تربیت نیروی انسانی ارزش گرا، یعنی نیرویی که در آن ارزشهای مطلوب جامعه اسلامی درونی شده باشد و نسبت به تقویت و تحکیم ارزشها و فرهنگ دینی طرز تلقی مثبت را دارا باشد. معلمان و استادان از بقیه مهمتر هستند. نبض هندسه فرهنگ در کلاسهای درس زده می شود. دانشگاهها در این زمینه با مشکلات اساسی مواجه هستند.

اگر به این موضوع توجه نشود مهندسی فرهنگ در دانشگاه قابل تحقق نخواهد بود. این ضرورت در آموزش و پرورش به صورت مضاعف احساس می شود. ۴- ساختارها و فرایندها، که احتیاج به ساختارهای مناسب و تعیین نقشها و تدوین فرایندها دارد. در این خصوص سئوالات زیر قابل بررسی است. الف آیا ساختارهای موجود دانشکدهها و حدود اختیارات آنها با مدیریت فرهنگی مطلوب تناسب دارد؟ ب آیا توسعه فرهنگی در دانشگاهها از طریق معاونت فرهنگی و مدیریت فرهنگی آن قابل پیگیری خواهد بود؟ ۳- آیا وظایفی که برای گروههای آموزشی دانشکدهها پیش بینی شده با انتظارات دانشگاهها در مورد مهندسی فرهنگ متناسب است؟ آیا از ظرفیت دانشجویی برای توسعه فرهنگ در دانشگاهها به طرز مطلوب و موثر استفاده می شود. یا به بازنگری نیاز دارد؟ آیا ساختار و فرآیندی برای ارتباط مؤثر خانوادهها با دانشگاهها مورد نیاز نمی باشد. آیا می توان نقش خانواده را حذف کرد؟ اگر سئوالات بررسی شود از طریق پاسخ به آنها می توان به ساختار و فرایندهای مناسب رسید.

آدمی نیست. فرهنگ جنبه درونی ندارد بلکه بعد بیرونی دارد که در تولیدات علمی، هنری و امثال آن بروز پیدا می کند. هنری که انسانها را به ابتذال بکشد و آنها را از حقایق اصیل انسانی دور کند؛ در جامعه اسلامی و فرهنگ اسلامی هنر مقبول نخواهد بود. باید در مهندسی فرهنگ به این نکات توجه داشت. علمی که خود را در دایره حس و آزمایش محدود می کند و نیروی عقل را در دستیابی به معارف عمیق خلع سلاح می نماید علم حقیقی نخواهد بود. بنده بر آموزش رسمی و مهندسی فرهنگی تأکید می کنم، با تعریفی که از فرهنگ ارائه کردم و رسالتی که نظام اسلامی در تعمیم فرهنگ اسلامی بر عهده دارد اعتقاد دارم نظام آموزشی در جمهوری اسلامی ایران در درونی سازی ارزشها که هسته مرکزی مهندسی فرهنگ را تشکیل می دهد رسالت اصلی و مهم است. آموزش رسمی که با اهداف مشخص و از قبل تعیین شده برای کودکان و نوجوانان انجام می گیرد در مهندسی فرهنگ کشور نقش زیر بنایی دارد. اگر بپذیریم ارزشهای درونی شده در دوره های کودکی و نوجوانی زیر ساخت فکری و نگرشی توسعه فرهنگ را تشکیل می دهد باید قبول کنیم که نهادهای فرهنگی و آموزشی رسمی مانند آموزش و پرورش و دانشگاهها در تعلیم و تربیت و درونی سازی ارزشها نقش اول را می توانند ایفا کنند. تا حصول هندسه فرهنگ با عطف به رسالت آموزش رسمی کشور مرحله به شرح ذیل باید



**دکتر امیر ملکی  
دارای دکترای  
جامعه شناسی  
مسائل ایران و  
عضو هیئت علمی دانشگاه پیام  
نور و همچنین مجری طرحهای  
پژوهشی می باشد. نامبرده  
دارای تالیفات و ترجمه هایی نیز  
در زمینه های فرهنگی اجتماعی  
می باشد.**

معرفی

فرهنگ خداوند است که آدمی را به قلم و بیان مجهز ساخت، با این توصیف فرهنگ را چگونه می توان تعریف کرد. باید تعریفی ارائه شود که با رسالت اصلی دین اسلامی یعنی ساختن انسان مستعد رشد هماهنگ باشد. فرهنگ عبارت است از مجموعه ارزشها، هنجارها و رفتارها که

شوق زندگی شایسته و بایسته را برای انسان فراهم می سازد و به سایر اهداف جهت می دهد. ارزشها؛ هسته مرکزی فرهنگ را تشکیل می دهند. اگر ارزش تغییر کند همه چیز تغییر می کند. اگر شما سه دایره تصور کنید داخلی ترین دایره ارزش می باشد. دومی را هنجار و سومی را رفتار تشکیل می دهد. این سه دایره متداخل سه لایه فرهنگ را تشکیل می دهد. انسان از نیروی عقل و اندیشه برخوردار است. اگر شرایط زندگی، زمینه های تقویت غرائض و شهوات را فراهم کند زندگی شایسته

۲۷